



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتا، جامع علوم انسانی

## بررسی است فردوسی

جذاب، زنده و پر شوکت می‌نماید که همتایی بر آن نمی‌توان شناخت. شاید نام «شاهنامه» بر این اثر جاودان فردوسی بیش از آنکه نمایانگر مضمون و موضوع اثر باشد، اشارتی است بر شاهکار بودن این اثر. وی در باره وام‌گیری هنرمندان گوناگون ایرانی از این اثر سترگ، گفت: در مجموع فعالیت‌های هنری در طی سال‌های گذشته، شاهد آثار بسیار ارزنده از هنرمندان کشور هستیم؛ در بخش‌های مختلف نمایش، موسیقی و هنرهای تجسمی که از شاهنامه حکیم توس بهره برده‌اند. در حوزه هنرهای تجسمی هنرمندان از سالیان دور آثار ارزشمندی را به سبک نقاشی قهوه‌خانه‌ای خلق کرده‌اند که خود مایه بسی افتخار و

بزرگداشت شاعر حماسه‌سرای ایران، حکیم ابوالقاسم فردوسی به اهتمام بنیاد رودکی، شورای گسترش زبان و ادب فارسی و کتاب ماه ادبیات و فلسفه ۲۵ اردیبهشت ماه در تالار وحدت برگزار شد. آغازگر این آیین نقالی استاد سید مصطفی سعیدی بود. پس از آن دکتر ایمانی خوشخو، معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن اشاره به عظمت و جایگاه بی‌بدیل فردوسی، در خصوص **شاهنامه** اظهار داشت: **شاهنامه** منظومه‌ای بی‌بدیل است از تاریخ و افسانه و اثری است سرشار از بدایع و ظرایف زبانی. شاهکاری که هنوز با گذشت بیش از هزار سال، زنگار کهنگی بر آن ننشسته و بیان تصویری اش چنان



پراکنده‌ای است که نمی‌توان از آن نتیجه‌گیری مناسبی داشت. شاید بتوان روزهایی را که به نام بزرگان زبان و ادبیات فارسی مقرر شده، مقدمه‌ای برای مدون کردن این تحقیقات در نظر گرفت، یعنی برنامه‌ریزی منظمی برای شناساندن و شناختن بزرگان ادب به صورت نظام‌مند باید ترتیب دهیم و در باب زمینه‌هایی که بزرگان ما در آن تحقیق کرده‌اند، پژوهش کنیم و این تحقیقات را زمینه‌ای برای تحقیقات آینده برشماریم. بر این اساس به نظر می‌رسد باید برنامه‌ای با عنوان اولویت‌های تحقیق در زبان و ادب فارسی تدوین کنیم. با انجام چنین کاری است که در آینده با تولید تحقیقات و مطالعات جدید رو به رو

می‌بایست. از سال آینده نیز درصددیم که جایزه ملی فردوسی را به برگزیدگان هنرمند و محققانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند اهدا کنیم. همچنین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برنامه‌های حمایتی خود برای هنرمندان و اساتیدی که در حوزه شاهنامه فعالیت می‌کنند و در شناخت هرچه بیشتر این حکیم به جامعه می‌کوشند، تسهیلاتی در نظر گرفته است. در ادامه دکتر حسن حبیبی، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رئیس بنیاد ایران‌شناسی، درباره زبان و ادب فارسی اظهار داشت: ما به‌رغم برخورداری از ادبیاتی قویم و غنی، آن گونه که باید و شاید از این ادبیات بهره ننگرفته‌ایم. تحقیقات ادبی ما به صورت

خواهیم شد.

وی در ادامه سخنان خود تصریح کرد: ما از گنجینه زبان و ادب خود برای تعلیم و تربیت نوجوانان و جوانان استفاده نکردیم و خود نیز از آن بهره کافی نبردیم. ملل دیگر با نیمی از این گنجینه و یا کمتر از آن استفاده بهینه‌ای کردند، اما ما از این مجموعه ادبی‌مان در زمینه هنرهای نمایشی استفاده بهینه‌ای نکردیم و این نیازمند آن است که در زمینه آثار هنری نیز تحقیق و پژوهش صورت گیرد. تئاتر و سینما مجموعه‌های بسیار خوبی برای عرضه این گنجینه ادبی به شمار می‌روند.

دکتر کمال‌الدین عینی، استاد و پژوهشگر تاجیکی، ضمن اشاره به تلاش‌های تاجیکان برای احراز هویت ایرانی خود، درباره اهمیت فردوسی گفت: نام فردوسی برای تاجیکان راهی شد تا بتوانند هویت خود را محفوظ دارند. در ابتدای تشکیل تاجیکستان از بزرگ‌ترین کارهای فرهنگی، تاسیس کتابخانه‌ای بود با نام ابوالقاسم فردوسی که خود بیانگر جایگاه والای این حکیم است. از آن زمان تاکنون آثار متفاوتی در حوزه نمایشنامه، موسیقی، مینیاتور، نقاشی و سینما در تاجیکستان خلق شده که همگی از شاهنامه فردوسی بهره برده‌اند. شاهنامه در طول این هزار سال در روح و جان مردم تاجیک بوده است و آنها همواره به شاهنامه خوانی پرداخته‌اند.

پس از قرائت شعر دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی در مدح جایگاه فردوسی، دکتر حسن جوادی، استاد دانشگاه جرج واشنگتن، به ایراد سخنرانی پرداخت. وی در باب ترجمه شاهنامه به زبان‌های گوناگون تصریح کرد: شاهنامه به ۲۵ زبان دنیا ترجمه شده است. بعضی از این ترجمه‌ها به طور کامل هستند و برخی به صورت ترجمه قسمت‌های عمده‌ای از شاهنامه و تعداد ترجمه‌های شاهنامه به زبان‌های مختلف در هر زبانی متفاوت است. آن گونه که در آلمانی ۱۸ ترجمه مختلف از شاهنامه وجود دارد و در انگلیسی در حدود ۱۲ ترجمه به چشم می‌خورد. مسئله عمده‌ای که در مورد ترجمه شاهنامه مطرح است این است که چه قسمت‌هایی از آن برای خواننده خارجی جذابیت و اهمیت دارد و فردوسی به چه صورتی به جهانیان عرضه می‌شود. خلاقیت فردوسی در داستان‌گویی، حماسه او را از حالت خشکی که فقط به شرح زندگی و لشکرکشی‌های شاهان پیردازد، در آورده است. تاریخ در دست او تبدیل به داستان‌های جالبی می‌شود که در آنها مستقیماً عواطف انسانی، تنش‌ها، رقابت‌ها و دسیسه‌ها مطرح‌اند. شاهنامه بر خلاف نظر بعضی از منتقدان تنها شرح حال شاهان نیست، بلکه مسائل بسیار جالب انسانی و عواطف انسانی در آن بیان می‌شود.

وی درباره ترجمه‌های شاهنامه افزود: نخستین ترجمه شاهنامه از بنداری است که در حدود دو بیست سال بعد از سروده شدن شاهنامه، ترجمه شده است و برای نخستین بار این حماسه ایرانی را به عرب‌زبانان معرفی می‌کند. از حیث قدمت، دومین ترجمه شاهنامه به ترکی عثمانی صورت می‌گیرد. پس از آن با ترجمه‌های بسیاری از شاهنامه به زبان ترکی رو به رو هستیم. در قفقاز نیز شاهنامه‌خوانی بسیار مرسوم بوده و ترجمه‌های بسیاری از شاهنامه خواه قطعات مختلف و خواه به طور کامل صورت گرفته است. ترجمه بسیار خوبی از سوی مستشرق بزرگ آذربایجانی، ممتاز علیزاده، صورت گرفته که تمام شاهنامه را از ابتدا تا انتها به همان وزن و به صورت شعری بسیار فاخر ترجمه کرده است.

اولین برخورد انگلیسی‌زبانان با شاهنامه توسط سر ویلیام جونز در قرن هجدهم صورت می‌گیرد که شاهنامه را به شعر لاتینی ترجمه و فردوسی را با هومر مقایسه می‌کند. این نخستین باری بود که کسی جرأت می‌کرد یک حماسه شرقی را با حماسه‌های اروپایی مقایسه کند. او در نظر داشت داستان رستم و سهراب را به صورت یک تراژدی یونانی درآورد که نتوانست. دو ترجمه دیگر به ژوزف چمپیون و جیمز انکینسون تعلق دارد. انکینسون تقریباً تمام داستان رستم و سهراب را به شعر انگلیسی درمی‌آورد و بعدها تمام شاهنامه را به صورت منظوم و مثنوی برگردان می‌کند. بعدها این امر سبب می‌شود که متیو آرنولد حماسه‌ای به نام «سهراب و رستم» به وجود آورد که یکی از شاهکارهای قرن نوزدهم انگلیس به شمار می‌رفته است. تفاوت عمده داستان رستم و سهراب فردوسی و آرنولد در این است که آرنولد بیشتر از فردوسی قهرمان خود را قربانی سرنوشت جلوه می‌دهد. در حالی که در شاهنامه ترس و مکر و ریای انسانی سهم عمده‌ای در فاجعه دارد. از سویی دیگر آرنولد بیش از فردوسی به نقش عناصر طبیعت در منظومه خود تکیه می‌کند. از میان ترجمه‌هایی که اخیراً صورت گرفته شاعری امریکایی به نام دیک دیویس علاوه بر ترجمه بسیار زیبایی که از داستان «سودابه و سیاوش» کرده، اثر فردوسی را در سه کتاب به نظم و به نثر درآورده است.

در ادامه دکتر فتح‌الله مجتبیایی، شاهنامه‌پژوه و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ضمن تقدیر از سنت بزرگداشت بزرگان فرهنگ و ادب ایران زمین، درباره شاهنامه اذعان داشت: در طی هزار سال گذشته در سرزمین‌های ایرانی بی‌شک هیچ کتابی چون شاهنامه رشک‌انگیز، الهام‌بخش و اثرگذار نبوده است. تاثیر شاهنامه نه تنها بر تمام حماسه‌های منظوم دوران بعد از **گرشاسپ‌نامه اسدی تا شاهنامه فتحعلی‌خان صبا آشکار است**، بلکه در همه منظومه‌های دیگری که بعد از فردوسی به وزن شاهنامه ساخته شده از **واحق و عذرا ی عنصری تا بوستان سعدی، همای و همایون خواجه و اسکندرنامه** های نظامی و امیر خسرو و جامی، تاثیر شیوه بیان و آهنگ کلام فردوسی را می‌توان بازشناخت. اشارات و تلمیحاتی که در آثار منظوم و مثنوی پارسی به داستان‌های قدیم و پهلوانان ایران آمده است همگی به شاهنامه فردوسی رجوع دارند و استشهداد به ابیات شاهنامه حتی در آثار دینی، فلسفی و عرفانی نیز دیده می‌شود. نظامی عروضی سمرقندی درباره شاهنامه گفته است: «من در عجم سخنی بدین فصاحت نمی‌بینم و در بسیاری از سخن عرب هم.»

وی در خصوص فصاحت و بلاغت زبان فردوسی تصریح کرد: درباره فصاحت و بلاغت کلام فردوسی از هزار سال پیش تاکنون سخن‌ها گفته‌اند. ارزش آن از لحاظ بررسی‌های تاریخی و اجتماعی و زبان‌شناسی و اسطوره‌شناسی و از لحاظ تحقیق در آداب و رسوم و آیین‌های گوناگون، فراوان و آشکار است و اندرزها و آموزش‌های اخلاقی و نکته‌های حکمت‌آمیز و عبرت‌انگیز در سراسر آن بسیار است و بعضی از داستان‌های آن از لحاظ ترکیب وقایع، صحنه‌پردازی، ترسیم شخصیت‌ها، بیان حالات و کیفیات درونی، از هیچ یک از تراژدی‌های بزرگ جهان، کمتر نیستند. این ویژگی‌ها همگی شایسته و درخور تقدیرند و جا دارد درباره هر یک از آنها کتاب‌ها و رساله‌ها پرداخته شود. اما هیچ یک از این کیفیات نه به تنهایی و نه با هم برای اینکه اثری را

چنین در دل و جان مردمی از عارف و عامی جای دهد و در طی هزار سال حریم حرمت آن را حفظ کند، بسنده نیست. باید دید که راز این خاصیت کم نظیر در شاهنامه چیست. هر اثر هنری بزرگ باید از انگیزه‌های بزرگ و از نیازی بزرگ برخیزد؛ انگیزه و نیازی که همگانی است و همگان آگاهانه یا ناخودآگاه در آن سهیم‌اند و کامیابی هنرمند بسته به میزان صداقت و صمیمیت او نسبت به انگیزه‌ها و قدرت او در ادراک و احساس نیازها و توانایی او در بیان آنهاست.

دکتر مجتبیایی در ادامه سخنان خود افزود: آنچه در زمان فردوسی و در دوران پیش از او بر دل‌ها و اندیشه‌های مردم می‌گذشت آرزوی رهایی از سلطه بیگانگان و بازگشت به عظمت دیرین بود. نهضت‌های پی‌در پی که در آن زمان روی داد و کوشش‌هایی که به کار رفت همگی از این انگیزه سرچشمه می‌گرفت و شک نیست که ایرانیان از همان آغاز اسلام را که بسیاری از ظلم‌های طبقاتی و نابسامانی‌های اجتماعی را برطرف کرده بود به رغبت پذیرفته و آن را به نام یک دین الهی و جهانی عزیز می‌داشتند، اما غلبه قومیت عرب چیز دیگری بود و با روحیات و طبیعت مردم ایرانی نمی‌ساخت. از آغاز ظهور حکومت‌های مستقل و نیمه مستقل طاهری و صفاری انگیزه‌های استقلال‌طلبی و احیا و حفظ مورث ملی به صورت یک نهضت فرهنگی ظاهر شد. یک بال این نهضت زبان فارسی بود و بال دیگر تاریخ گذشته ایران و کارنامه بزرگان و پهلوانان آن. در چنین زمانی بود که فردوسی آنچه را در دل‌ها و اندیشه‌ها پی‌در پی می‌گذشت، بازگفت و چنان گفت که نه پیش از او و نه بعد از او تا هزار سال هرگز کسی نگفت. در شاهنامه دو گونه هم‌نواپی برقرار است: هم‌نواپی درونی و هم‌نواپی بیرونی. هم‌نواپی درونی آن در توازن لفظ و معنی و تناسب احساس و بیان است و هم‌نواپی بیرونی آن در هماهنگی و سازواری با روح زمان، انطباق با انگیزه‌ها و نیازهای روحی و عاطفی مردم، فردوسی از روی قصد و بی‌شک با دشواری و رنج بسیار کوشیده که شاهنامه را به فارسی پاک و خالی از واژه‌های بیگانه بسراید و در این کار همه توان و تمامی کشش و برد زبان را به کار گرفت. روشنی کلام، یکسانی توصیفات، سادگی تشبیهات برای حفظ تناسب و سازواری بیرونی آن است. روشن است که کنایات بعید و استعارات پیچیده شعر حماسی را بی‌رنگ و رونق می‌کند.

وی درباره زبان شاهنامه گفت: اگر شاهنامه به زبان حدیقه سنایی یا تحفه العراقین خاقانی سروده می‌شد بی‌شک قدرت، تاثیر و توان انگیزشی را که دارد، نداشت. شکوه‌مندی شاهنامه در توازن و تناسبی است که ساختار لفظی و صوری آن با محتوا و ساختار معنایی آن دارد. نباید از یاد برد که فردوسی شاهنامه را در روزگاری می‌سرود که شاعری چون رودکی خود را جریر و حسان می‌خواند و متوجه‌پهری فخر می‌کرد که بسی دیوان شعر تازیان دارد زبر: فردوسی این فخر را نخواست. او خود از آنچه می‌کرد آگاه بود و این آگاهی گهگاه در شعر او ظاهر می‌شود. دکتر مجتبیایی در خصوص موضوع شاهنامه یادآور شد: موضوع شاهنامه که زمینه محتوا و ساختار درونی آن است بر تاریخ گذشته ایران و تعظیم و تجلیل مفاخر ملی استوار است و سراینده در سراسر آن ضمن شرح ماجراها و جنگ‌ها و پیروزی‌ها و بیان دلآوری‌ها و مردانگی‌های پهلوانان ایران، آشکارا می‌کوشد که ایرانیان را به هم پیوند دهد و حس یگانگی، هم‌بستگی، خودشناسی و اعتماد به نفس را در آنان زنده کند.

داستان‌های شاهنامه در ظاهر همه در روزگاران گذشته روی داده‌اند اما از آغاز تا پایان همه جا نوعی نگرش به زبان حال و توجه به اوضاع و احوال جاری کاملاً محسوس و مشهود است. شاهنامه مرز میان ایران پیش از اسلام و ایران عصر اسلامی است. مانند آینه‌ای که در یک سطح دو گونه جلوه‌گری دارد. چنانچه زبان شاهنامه نیز در مرز میان پارسی میانه و پارسی دری ادوار بعد قرار دارد.



در پایان مهندس مصطفی جیحونی، مصحح شاهنامه، به توضیح دلایل اقبال خود به سمت شاهنامه‌پژوهی پرداخت. لازم به ذکر است در فواصل سخنرانی‌ها گروه موسیقی «ایل» برنامه‌هایی را برای حضار اجرا کردند.